

عنوان مقاله:

تجرد خیال و لوازم فلسفی و کلامی آن

محل انتشار:

فصلنامه آینه معرفت، دوره 8، شماره 2 (سال: 1387)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

رضا اکبریان - دانشگاه تربیت مدرس

حسن مرادی - دانشگاه تربیت مدرس

خلاصه مقاله:

از منظر حکمای مشاء، قوه خیال، حال در روح بخاری است که امری مادی اما لطیف می باشد و به تبع، صور خیالی نیز امری مادی و منطبع در قسمتی از مغز هستند. سهروردی به خاطر وجود صور خیالی عظیم و با توجه به محال بودن انطباق کبیر در صغیر، این امر را نادرست می دانست و جایگاه صور خیالی را عالم مثل معلقه می داند، عالمی که بالاتر از عالم ماده و پایین تر از عالم عقول و مثل افلاطونی است؛ اما از نظر او نیز قوه خیال، امری مادی و فقط مظهر (و نه محل) آن صور است و نور مدبر بر اثر اشراق بر آن می تواند صور مذکور را در همان عالم مثل معلقه ببیند. در عرفان نظری، عالم مثل معلقه را مثال منفصل یا مطلق و سایه آن را در موجودات مادی، مثال متصل یا مقید می نامند. ملاصدرا بر اساس مبانی حکمت متعالیه، نظریه حرکت جوهری و اتحاد علم و عالم و معلوم، برای اولین بار دلایلی برای تجرد قوای ادراکی و از جمله قوه خیال بیان نموده و از آن در تبیین مسائلی چون معاد جسمانی، اثبات عالم خیال، چیستی وحی، رویا و تاویل استفاده کرده است. سیر تحقیق چنین است که ابتدا به نظرات مکاتب مشاء، اشراق و عرفان نظری در مورد قوه خیال و عدم تجرد آن اشاره می کنیم. در ادامه، آن دسته از مبانی وجودشناسی و نفس شناسی حکمت متعالیه که برای فهم براهین تجرد نفس لازم است، ذکر خواهد شد و سپس استدلال های ملاصدرا دسته بندی و بررسی می شوند. در پایان، به برخی از نتایج این نظریه در تبیین خلاقیت نفس، معاد جسمانی و حشر نفوس متوسط، وجود عالم مثال متصل، ماهیت وحی، چیستی تاویل متعالیه و رابطه نفس و بدن می پردازیم. از نگاه ما نظریه تجرد قوه خیال بر مبانی محکمی استوار است و از استدلال های متقنی برخوردار و برای حل مسائل مهمی تواناست.

کلمات کلیدی:

قوه خیال، مثال متصل، مثال منفصل، معاد جسمانی، تاویل متعالیه، وحی، حکمت متعالیه، ملاصدرا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1295003>

